

پاسخ‌های نظام سیاست جنایی ایران در پیشگیری از بزهکاری کودکان کار و خیابانی^۱

محمدرضا رهبرپور^۲، سعیده السادات الحسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: سیاست جنایی و به‌طور ویژه سیاست جنایی مشارکتی، در صدد است تا با به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های موجود از ارتکاب بزهکاری توسط کودکان کار و خیابان جلوگیری کرده و فعالیت‌های خود را از سطح فرهنگ‌سازی و تدوین قوانین تا اجرای عادلانه احکام قضایی و کیفری در رابطه با کودکان و نوجوانان مرتکب بزه در پیش گیرد. پژوهش حاضر باهدف واکاوی قوانین موجود، بررسی ظرفیت نهادهای دولتی و غیردولتی و به‌دنبال دستیابی به پاسخ سیاست جنایی ایران در پیشگیری از بزهکاری کودکان کار و خیابانی انجام شد.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای از اسناد و قوانین و مقررات مرتبط جمع‌آوری شد.

یافته‌ها و نتایج: برای پیشگیری کردن از بزهکاری کودکان کار، در کنار پاسخ‌های تقنینی و قضایی، باید به‌دنبال حذف عوامل بزه در میان کودکان بود. بزرگترین مشکل در مسیر کودکان، مشکلات اقتصادی و پیرو آن محرومیت از تحصیل و روی آوردن به کار خیابانی است. مهمترین پاسخ‌های سیاست جنایی در عرصه غیرکیفری، ایجاد شرایطی برای تربیت و جامعه‌پذیری کودکان کار بزهکار است که در صورت روی آوردن به بزه و اعمال مجرمانه از ارتکاب مجدد به جرم خودداری کنند و به بیان بهتر، منفعتی در ارتکاب به جرم کسب نکنند.

کلیدواژه‌ها: کودک کار، کودک خیابانی، سیاست جنایی، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی با همین عنوان است.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

rahbarpour@atu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه:

sadat-alhoseini@gmail.com

مقدمه

امروزه گسترش روزافزون معضل کودکان کار و خیابانی، به‌عنوان پدیده آسیب‌زا برای جامعه شناخته می‌شود که خود معلول عوامل اقتصادی (فقر، بیکاری و یا درآمد ناکافی، بحران‌های اقتصادی)، عوامل اجتماعی (توزیع ناعادلانه منابع و خدمات، شرایط نامطلوب کاری، رشد سریع جمعیت، مهاجرت)، عوامل فرهنگی (سطح پایین تحصیلات والدین یا بی‌سوادی، صداوسیما و مطبوعات)، عوامل خانوادگی (طلاق والدین، اعتیاد یکی از والدین یا هر دو، تنش و اختلاف میان اعضای خانواده، ترک خانه به‌دلیل بدرفتاری والدین، به‌کارگیری نکردن راه‌کارهای صحیح تربیتی، همسرگزینی سریع پدر و مادر بعد از فوت همسر و ناتوانی فرزند از درک این قضیه، خانواده بزرگ و کثرت فرزندان)، عوامل روانی - عاطفی (فقدان عاطفه و توجه در خانواده، مسخره شدن کودک و تحقیر شدن وی به‌دلیل ضعف‌های مختلف خانواده، تنبیه شدید بدنی و تبعیض شدید بین فرزندان) است.

در کنار این عوامل، راحتی کسب درآمد و برخورد غیرصحیح و غیرقاطع قانون، بر گسترش این پدیده که ناشی از بی‌برنامگی، بی‌مسئولیتی سازمان‌ها و مراکز مرتبط، ضعف مدیران و حمایت نکردن از خانواده‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر است که نقش بسزایی در افزایش کودکان خیابانی دارند نیز نمی‌توان گذشت (موسوی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵).

در واقع کودکان کار و خیابانی ناسازگاری خود را با جامعه به‌شکل بزهکاری بروز می‌دهند. ارتکاب بزه از سوی آنان، نشان از آن دارد که استعداد جنایی و توان نقض هنجارهای جامعه را دارند. ماهیت و چگونگی پاسخ‌دهی به آنان، در آینده اخلاقی و رفتاری کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد؛ از این رو، باید پاسخ‌دهی سنجیده‌ای برای مقابله با بزهکاران کودک و نوجوان برگزید. سیاست‌گذاران جنایی با توجه به فرایند رشد و یادگیری کودکان و نوجوانان به اقتضای سنشان و تأثیری که اقدامات عدالت کیفری بر رفتار این دسته از کودکان و نوجوانان دارد؛ نظام کیفری ویژه‌ای برای پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان

بزهکار با هدف حمایت از آنان، پی‌ریزی کرده‌اند. حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار، در قالب تدابیر پیشگیرانه (حمایتی) یا بازپرورانه تجلی می‌یابد. تدابیر پیشگیرانه به دنبال آن است تا عوامل زمینه‌ساز بزهکاری از جمله فقر، بیکاری، اعتیاد و مانند آنها را کاهش دهد و تأمین نیازهای طبیعی آنان را از راه مشروع و قانونی ممکن سازد. تدابیر بازپرورانه پاسخی است که امید می‌رود کودک و نوجوان بزهکار را به زندگی سالم اجتماعی بازگرداند.

سیاست جنایی در مفهوم علمی و موسع، به کلیه تدابیر کنشی و واکنشی پیشگیرنده و مبارزه‌گر در قبال پدیده جنایی و مسائل پیرامونی آن اطلاق می‌شود که از سوی دولت و جامعه مدنی در بستری تعاملی و مشارکتی به اجرا گذاشته می‌شوند. سیاست جنایی در مفهوم علمی آن به اعتبار عاملان و نهادهای دخیل در آن به اقسام مختلفی دسته‌بندی شده است. در مشهورترین طبقه‌بندی، سیاست جنایی به چهار نوع تقسیم شده است: سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی.

باتوجه به تحولات سریع جامعه انسانی مانند رشد جمعیت، رشد صنعتی شدن و شهرنشینی، افزایش نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی در شهرهای کلان، جابجایی توده‌های وسیع مهاجرت به شهرهای بزرگ، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده، فروپاشی الگوها و هنجارهای سنتی و افزایش تنش‌های اجتماعی، پیامدهای اجتماعی ناگواری را در زندگی جوامع شهری رقم زده است. پویش شتابان تحولات اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، منجر به پیدایش ساختار دو بخشی سنتی و مدرنیته شده و طولانی شدن این دوره بر وخامت اوضاع اجتماعی افزوده است. روند تحولات یادشده، قدرت‌سازگاری و انطباق افراد با محیط‌های اجتماعی را کاهش داده است. از بین اقشار مختلف برخی از گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌پذیری بیشتری هستند؛ از جمله کودکان و نوجوانان. این قشر در واقع به دلیل ویژگی‌های خاص مانند فقدان توانایی و مهارت اجتماعی برای مواجهه با محیط اجتماعی و وابستگی به بزرگسالان و والدین برای ارتقا و تکامل خود، بیشتر از دیگر گروه‌ها در معرض آسیب هستند. از این‌رو آینده کودکان و نوجوانان و میزان تأثیرپذیری

آنها از آسیب‌های اجتماعی به نحوه عملکرد بزرگسالان و نهادهای اجتماعی‌کننده و میزان توانایی این نهادها در رابطه با ایجاد شایستگی‌ها و مهارت‌های اجتماعی لازم در آنها برای زندگی اجتماعی بهنجار، بستگی دارد.

واقعیت، نشان می‌دهد که نهادهای اجتماعی‌کننده تحت فشار تحولات اجتماعی نمی‌توانند به‌خوبی نسبت به تعهدات خود در قبال اجتماعی کردن به‌هنجار بخشی از کودکان و نوجوانان شهری، عمل کنند. پیامدهای این ناتوانی، در رها کردن یا فرستادن کودکان و نوجوانان به محیط ناامن و پر تشویش خیابان‌های کلان‌شهرها، نمود یافته است. پدیده کودکان خیابانی، معضل اجتماعی شایع در کلان‌شهرهای جوامع معاصر، اعم از کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه است. با این تفاوت که میزان بروز این پدیده، زمینه‌ها و عوامل گسترش آن و نحوه مقابله با آن، براساس ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف، متفاوت است.

سیاست جنایی علاوه بر جرم به‌معنی خاص آن، پدیده انحراف و کج‌روی را هم بررسی می‌کند، این کج‌روی و انحراف موجب قرار گرفتن در قلمروی بزهکاری می‌شود و نیاز به اقدامات مؤثر و بازدارنده است که در قالب پاسخ‌هایی ارائه شده است که این پاسخ‌ها به دو دسته پیشینی و پسینی تقسیم شده است. برخی پاسخ‌ها جنبه پیشگیرانه دارد و برخی دیگر، پسینی هستند یعنی بعد از وقوع بزه به سراغ کودک یا نوجوان بزهکار رفته و اقدامات تعیین شده برای آنها اعمال و اجرا می‌شود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری کودکان کار و خیابانی چه پاسخ‌هایی را در نظر گرفته است؟؛ سیاست جنایی مشارکتی درخصوص بزهکاری کودکان کار و خیابانی چه کارکردی داشته است؟ و کودکان کار و خیابانی در سیاست جنایی تقنینی ایران از چه جایگاهی برخوردار هستند؟

پیشینه: پیرامون موضوع کودکان کار و خیابانی بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حقوق‌دانان مطالعه کرده‌اند و در این باب کتب، پایان‌نامه و مقالات متعددی به رشته تحریر

درآمده است. از جمله: حسینی (۱۳۸۴) در کتاب خود باعنوان «کودکان کار و خیابانی» در باب علت شناختی این پدیده نوشته است ولی پاسخ‌های کیفی و غیرکیفری مرتبط با این پدیده را بررسی نکرده است. بلندرته در پایان‌نامه خود باعنوان «ارزیابی نقش و برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی در حمایت از کودکان کار در معرض خطر» به جایگاه و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در راستای حمایت از کودکان کار پرداخته است اما به سازمان‌های دولتی و نقش حمایتی آنها اشاره نشده است.

قاضی‌نژاد (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود باعنوان «بررسی عملکرد خدماتی سازمان‌های مردم‌نهاد و رابطه آن با بهزیستی کودکان کار و خیابانی» این موضوع را بررسی کرده است که خدمات انجام شده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در بهتر کردن کیفیت زندگی کودکان کار و خیابانی و افزایش بهزیستی آنان چه تأثیری دارد؟ پایان‌نامه یادشده تنها سازمان مردم‌نهاد را بررسی کرده و از دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی غافل مانده است.

کوشکی (۱۳۹۳) در پژوهش خود باعنوان «سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی» به کارکرد سازمان‌های غیردولتی درخصوص تعقیب و پیگیری دعوی عمومی با تکیه بر چگونگی اقامه دعوی عمومی و میزان مشارکت سازمان‌های غیردولتی در این زمینه، پرداخته اما به پاسخ‌های پسینی این سازمان‌ها اشاره‌ای نکرده است.

رجبی و مهرا (۱۳۹۶) در پژوهش خود باعنوان «پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان: تخمینی یا ترمیمی» رویکردهای عدالت تخمینی و ترمیمی درباره بزهکاری کودکان و نوجوانان را بررسی کرده اما به پاسخ‌های مختص کودکان کار توجهی نکرده است.

مبانی نظری

اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، پدیده کودکان کار را به‌عنوان بخشی از آسیب‌های

اجتماعی تلقی کرده و در تعاریف خود نسبت به این افراد، به رفتارها، ویژگی‌ها و شرایط فردی، خانوادگی، روانی و اجتماعی توجه داشته‌اند. بر همین اساس، نظریه‌ای که کودکان خیابانی را افرادی می‌داند که دارای نقص جسمانی و روانی هستند، ناشی از این طرز تفکر است و این تفکر تا جایی پیش می‌رود که کودکان خیابانی را اغلب افرادی بزهکار می‌داند. این در حالی است که پژوهش‌های انجام‌شده در دوره‌های مختلف، رد چنین تفکری را اثبات کرده است (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶).

درواقع همان‌طور که سایر اندیشمندان این حوزه، نظریه یادشده را رد کرده‌اند باید گفت که که در پژوهش‌های انجام‌شده، کودکان خیابانی دچار نقص و یا علایم بیماری روانی و جسمانی نیستند و عدم هنجارپذیری و انطباق با ارزش‌های جامعه، ناشی از ویژگی رفتاری، جسمانی و روانی آنها نیست. درواقع این نظریه نگاه خود را از جامعه به فرد معطوف کرده است و مشکلات را در چارچوب افراد و گروه‌ها بررسی می‌کند.

لاسک کودکان خیابانی را به ۴ گروه تقسیم کرده است: ۱. کودکان فقیری که در مدرسه تحصیل می‌کنند و شب‌ها به خانه‌هایشان برمی‌گردند و بزهکار نیستند؛ ۲. کودکانی که کارگر خیابانی هستند و به‌صورت مستقل عمل می‌کنند و با گسستن پیوند آنان با خانواده و ترک حضور در مدرسه، بزهکاری آن‌ها شروع خواهد شد؛ ۳. کودکانی که با خانواده خود در خیابان زندگی می‌کنند و وضعیت آن‌ها با فقر گره خورده است و ۴ کودکان خیابانی واقعی که به‌طور کامل تماس و ارتباط خود را با خانواده قطع کرده‌اند و تمام وقت خود را در خیابان می‌گذرانند (گودرزی، ۱۳۹۹، ص ۳۳).

ادوین ساترلند در نظریه معاشرت‌های ترجیحی، علت اصلی بزهکاری را ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر می‌داند. او می‌گوید: برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید راه‌های ارتکاب جرم را بیاموزد. بنابراین چنین آموزشی از ارتباط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند بزهکاران محقق می‌شود. ساترلند در نظریه خود بر فرآیند یادگیری و محتوای آن تأکید دارد که فرآیند یادگیری همان تعامل و ارتباط با افراد جامعه است (برنارد، ۱۳۹۲،

ص ۲۲۹). به بیان دیگر، وی، زندگی اجتماعی را موجب ترویج بزهکاری به‌ویژه در اطفال و نوجوانان می‌داند. روابط اجتماعی اطفال و نوجوانان و عضویت آنان در گروه‌های مجرمانه در واقع زمینه ساز ارتکاب بزه اطفال و نوجوانان است.

نظریه معاشرت‌های ترجیحی محتوای اجتماعی بزهکاری اطفال را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از نظر رابطه با خانواده، محله و دوستان و سایر افراد حاضر در اجتماع در نظر می‌گیرد و بیان می‌کند که رفتار مجرمانه به دلیل تعامل افراد و تبادل اطلاعات آنان است. بنابراین افراد بزهکار به شیوه‌های متنوعی برای اجرای بزه متوسل می‌شوند که رفتار خود را در راستای آن عقلانی و درست جلوه دهند (برنارد، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰).

نتیجه‌ای که در راستای دیدگاه نظریه معاشرت‌های ترجیحی به دست می‌آید از این قرار است که استمرار ارتکاب جرم در قالب تکرار یا تعدد جرم به دلیل تعامل و روابط مستمر با بزهکاران و پذیرفته شدن رفتار مجرمانه در آن گروه است. با توجه به چنین دستاوردی، تنها راهکاری که برای مقابله با تکرار جرم به ذهن خطور می‌کند جایگزینی معاشرت با جامعه عادی و بهنجار به جای معاشرت با گروه‌هایی است که فرد در آنجا رفتار مجرمانه و فنون ارتکاب جرم را فرا می‌گیرد (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰).

دیگر نظریه مهمی که به تبیین بزهکاری کودکان کار و خیابانی می‌پردازد، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است که توسط دورکیم (۱۸۷۸)، پارک و برگس (۱۹۲۷)، پارسونز (۱۹۴۲) و مرتون (۱۹۵۷)، پایه‌گذاری شد. پژوهش‌های این صاحب‌نظران، همبستگی معناداری را میان رفتار انحرافی و عواملی چون: سن، جنس، تراکم و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب نشان داد. به اعتقاد این محققان، عوامل اجتماعی، افراد را کنترل می‌کنند؛ ولی هنگامی که این عوامل بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت (کراوس و دوچ، ۱۳۸۶، ص ۲۸). مرتون در این باره می‌نویسد: رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم‌سو با هنجارهای

اجتماعی. به‌طور کلی اساس این نظریه‌ها آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خودتنظیمی مؤثر نیستند. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی‌شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرمی هم‌چون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند.

همچنین در پرتو نظریه بی‌ساختاری پارسونز و بت می‌توان فرض کرد که پیدایش مسئله کودکان کار و خیابانی ناشی از اختلال در کارکرد خرده‌نظام زیستی و اختلال در فرایند مبادله انرژی و فشار ناشی از تحولات سریع جمعیتی و نیازهای کارکرد و برخاسته از آن است. پیامد چنین امری گسترش فقر، کاهش رشد اقتصادی، تورم بیکاری و نابرابری است که پدیده کودکان کار و خیابانی نمودی از این مسائل ساختاری است (مقدس جعفری؛ ویسی‌نژاد و درستی، ۱۳۹۲، ص ۶۰). در همین راستا لوییس در نظریه فرهنگ فقر، کودکان کار را در چهار قالب فرض می‌کند:

- ۱- کودکان خیابانی نتیجه بی‌سرپرستی و رهاشدگی توسط خانواده‌ها هستند؛
- ۲- فقر و نداری، خانواده‌ها را برای انجام تعهدهای اخلاقی در مقابل فرزندانشان ناتوان کرده است؛
- ۳- مهاجرت از روستا به شهر باعث فروپاشی ساخت خانواده‌ها و به حاشیه رفتن فرزندان است.
- ۴- کودکان خیابانی ناشی از فرار فرهنگ شهری، بسیار حاشیه‌ای و رانده‌شده هستند که کودکان مدت زیادی زندگی خیابانی داشته‌اند و در فرهنگ خیابان ادغام شده‌اند و با فرهنگ بزهکاری سازگار شده‌اند.

پیروان نظریه بی‌سازمانی اجتماعی راهکار مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا

کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیای هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند. به اعتقاد آنان، راهکار بزهکاری عبارت است از: ایجاد و تقویت قواعد اجتماعی مناسب، صریح، قابل اجرا و سازگار برای کنترل وضعیت‌ها از طریق هماهنگ‌سازی رفتار مردم و نظام که در پرتو ارزیابی و تعدیل دائمی قواعد مزبور همواره در راه رفع نیازهای انسانی جامعه گام نهاده و رفع‌کننده نیاز بزهکاری می‌شود. مهم‌ترین ایرادهای وارد شده به این نظریه‌ها آن است که بیشتر به توسعه تبیین‌های نظری انحراف پرداخته‌اند تا به اصلاح اجتماعی و اغلب به فقدان روحیه جمعی در مسائل حوزه‌های حاشیه شهری اشاره دارند.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی برخلاف نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی که بر فرد تکیه دارد، نگاه خود را به واحدهای بزرگ‌تر همچون ساختارها، خرده‌نظام‌ها، عوامل ساختاری را که مانع انطباق و سازگاری گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی تمرکز دارد و نقش اقشار اجتماعی با خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع را به وجود می‌آوردند (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶).

مطابق با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، می‌توان گفت کودکان خیابانی درواقع انعکاس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقشار تهیدست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین هستند که در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی نتوانستند با شرایط انطباق یابند. درواقع این تحولات در زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی به اشکال مختلفی نمایان می‌شود و درنتیجه پیامدهای مختلفی را رقم خواهد زد. بر این اساس، پیامدهای تحولات اجتماعی می‌تواند اثری دوسویه داشته باشد؛ از یک طرف ترقی و پیشرفت عده‌ای را تسهیل کند و از طرف دیگر سقوط و به حاشیه رانده‌شدن عده‌ای که کودکان کار را هم شامل می‌شود را میسر کند.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و برگرفته از اسناد، قوانین و مقررات مرتبط است.

یافته‌ها

پاسخ‌های دولتی سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری کودکان کار و خیابانی پیشگیری واکنشی: پیشگیری از بزهکاری در معنای عام شامل هر نوع اقدام نهادهای دولتی یا غیردولتی است که برای مقابله با بزهکاری انجام می‌شود. تمام اقدامات علیه جرم اعم از اقدامات کیفری یا غیرکیفری همچون مجازات‌های تربیتی، تأدیبی، آزادی مشروط، بازپروری و تمام اقداماتی که بیش از مجازات فرد خاطی به هدف اصلاح جامعه و مجرم انجام می‌شود، معنای عام پیشگیری را دربر می‌گیرد؛ پیش‌بینی و ارزیابی جرم و مخاطرات آن و انجام اقدامات لازم برای کاهش یا از بین بردن آن، پیشگیری از جرم نام دارد. پیشگیری باید همگام با آزادی‌های فردی و شأن افراد به کار گرفته شود که می‌تواند از طریق اقدامات اجتماعی یا غیرکیفری باشد که بیشتر توسط نهادهای غیردولتی انجام می‌گیرد یا از طریق اقدامات کیفری که توسط نهادهای دولتی و نظام قضایی و در صورت اجرا برخی قوانین خاص توسط نهادهای غیردولتی خواهد بود.

هدف اصلی در پیشگیری واکنشی خاص، بازپروری مجرم و تربیت او است به همین جهت برخلاف واکنش عام که همه انسان‌ها را بالقوه مجرم تلقی می‌کند و در راه اصلاح جامعه می‌کوشد، در این مرحله خاص از پیشگیری، تلاش برای اصلاح افراد و مرتکبان جرائم است که با برنامه‌های تأدیبی و تربیتی از انجام مجدد جرم پرهیز کنند.

درخصوص بزهکاری کودکان کار توسط نهادهای دولتی، ایجاد شرایط تربیتی و اصلاحی برای مسائل شناختی و روانی میان کودکان از طریق تأسیس نظام قضایی متناسب با آنها امکان‌پذیر خواهد بود، چنین پیشگیری واکنشی از منظر قضایی، تقنینی و اجرایی قابل اجرا است.

پیشگیری تقنینی: مهم‌ترین و اصلی‌ترین اقدام دولت برای پیشگیری و حمایت از کودکان بزهکار، سیاست‌های قانونی و تدوین قوانین مربوط به شرایط زمانی، مکان و موقعیت جرم

و شرایط روحی، خانوادگی، جسمی و سنی بزهکار است؛ نهاد قانونگذاری و تأثیر آن بر پیشگیری یا اقدام مجدد جرم چنان محرز است که هر مبنای تقنینی برای بزهکاران، به خصوص کودکان با دقت و متناسب با آنها انجام پذیرد. تعیین سن مسئولیت کیفری، تأثیر یا فقدان تأثیر جنسیت در مجازات و انعطاف قانونگذار در جرم‌زدایی و جرم‌انگاری از جمله موضوعاتی است که دقت بالایی را طلب می‌کند.

پیشگیری قضایی: پس از مراحل قانونگذاری توسط قانونگذار در صورت وقوع عمل مجرمانه، مراحل کشف جرم تا تصمیم‌گیری درباره بزهکار در نظام قضایی کشور انجام می‌پذیرد، بنابراین این مرحله نیز به لحاظ تأثیرگذاری بر ارتکاب مجدد جرم توسط کودکان باید مدنظر قرار گیرد. کشف جرم، حضور نیروی انتظامی در محل وقوع جرم و مواجهه با کودک متهم باید طبق روحیات متناسب با مضمون باشد؛ بهتر آن است که پایگاه‌های پلیس کودک برای کسب بهترین نتیجه در عین آگاه‌سازی کودک از جرم، رفتار مناسب با او به روند رسیدگی اولیه نسبت به کودک مجرم بپردازند. مرحله پس از کشف جرم، تحقیق و تعقیب قضایی است که توسط بازپرس انجام می‌پذیرد، در روند تحقیق نیز، شناسایی مجرم و بازپرسی از کودک مظنون باید همسان با روحیات و شرایط بلوغ آنها باشد که اختیارات بازپرس برای کشف و تحقیق به گونه‌ای است که بتواند کرامت انسانی و شخصیت کودک را حفظ کند؛ رعایت اصول اخلاقی، تفهیم جرم به کودک فراخور خلیقات او، پرهیز از اجبار کودک به اقرار و یا هرگونه تنبیه بدنی و شکنجه‌های روحی برای دریافت اطلاعات از جمله موضوعاتی است که باید رعایت آنها مدنظر قرار گیرد.

گام آخر در سیاست قضایی، تصمیم‌گیری برای کودک پس از احراز جرم توسط او است که همانند مراحل قبل باید از مراقبت‌های متناسب با کودک برخوردار باشد، در نظر گرفتن مجازات یا اقدامات جایگزین همراه با عدالت اجتماعی و آزادی فردی باشد و در صورت امکان مجازات‌های تنبیهی به اقدامات تربیتی به‌دست سرپرست قانونی یا والدین یا نیمه دولتی (مراکز بازپروری، مراکز کارآموزی) تبدیل شود. زمانی که شرایط رشد و مسئولیت

کودکان بزهکار در نظام مسئولیت کیفری قابل اغماض باشد، کودکان کار و شرایط رشد و پرورش آن‌ها و بازخوردهای اجتماعی آنان نیز باید بیش از پیش مدنظر قرار گیرد.

پاسخ‌های قانونی سیاست جنایی نسبت به کودکان کار و خیابانی: در حوزه پاسخ‌های مربوط به کودکان کار و خیابانی باتوجه به آنکه قانون خاصی در این زمینه وضع نشده، برحسب معیار، باید به قوانین و مقررات عمومی که حوزه بزهکاری کودکان کار و خیابان را شامل می‌شود مراجعه کرد. بر همین اساس درخصوص بزهکاری کودکان کار و خیابانی باید به مواد ۸۸ تا ۹۲ قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. درواقع باتوجه به تحولات صورت گرفته در حوزه قوانین مربوط به کودکان موجب شد پاسخ‌های مربوط به کودکان به پاسخ‌های اجتماعی، تربیتی-اصلاحی، کیفری تعدیل یافته و جایگزین مجازات تقسیم‌بندی کرد. در همین راستا لازم به توضیح است که این تحول در راستای پیوستن ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در سال ۱۳۷۳ انجام پذیرفت.

پاسخ‌های کیفری و اجتماعی: در حوزه پاسخ‌های اجتماعی هرچند قانون اساسی به‌عنوان یکی از منابع معتبر در حوزه سیاست جنایی مقررات صریحی راجع به کودکان و نوجوانان به‌طور عام و کودکان کار و خیابانی به‌طور خاص ندارد اما حق برخورداری از آموزش رایگان در تمامی سطوح مختلف تکلیف دولت به حساب می‌آید که فراهم آوردن امکانات آموزشی را تا پایان دوره متوسطه به‌عنوان یک توقع اجتماعی محسوب می‌شود.

از طرف دیگر مطابق با ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است. چنانچه این ماده این‌گونه اشعار می‌دارد: «به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است.» بر این اساس قانونگذار به صرف پیش‌بینی مجازات برای کودک بزهکار منحصر نبوده و برای به‌کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال حساسیت به خرج داده است. چنانچه در ماده ۸۰ قانون فوق‌الذکر کارگری که «سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد.» بر این اساس کودک از نظر اجتماعی مورد

حمایت قرار گرفته است. همچنین برای حمایت از کودکان در چارچوب قانون کار، ساعات کار کودکان و نوجوانان به موجب ماده ۵۱، نیم ساعت کمتر از کارگران بزرگسال است و طبق ماده ۵۳ همان قانون، ارجاع کار شبانه و اضافه کاری به کودکان ممنوع است. بر این اساس به موجب ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است و متخلفان به حبس و جزای نقدی محکوم خواهند شد. این تدابیر قانونی و حمایتی به جای آنکه در محیط بسته قانون اصلاح و تربیت اعمال شود در بستر اجتماع به اجرا در می‌آید و این زمینه بزهکاری کودکان کار و خیابانی را نیز محدود می‌کند.

پاسخ‌های تربیتی - اصلاحی: پاسخ‌های تربیتی - اصلاحی از جمله سنتی‌ترین رویکردهای است که در زمینه پاسخ به بزهکاری کودکان وجود دارد. قانونگذار در قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ با هدف اولویت دادن به امر اصلاح و تربیت این تدبیر را برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال در نظر گرفته بود و در سال ۱۳۹۲ در بند «ت» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص افراد ۱۲ تا ۱۵ سال را مقرر نموده است و همچنین در بندهای «الف»، «ب» و «پ» ماده ۸۹ همان قانون، برای افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را برای جرائم تعزیری در نظر گرفته است. همچنین این قانون با مبری دانستن کودکان از مسئولیت کیفری راه حل اصلاح و تربیت را به‌عنوان تنها راه حل این نوع بزهکاری در نظر گرفته است.

پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته و جایگزین حبس: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۴۹، در صورت ارتکاب جرم توسط طفل وی از مسئولیت کیفری مبری است و تربیت آن با نظر دادگاه بر عهده سرپرست اطفال و در صورت لزوم کانون اصلاح و تربیت وظیفه اصلاح و بازگشت وی به جامعه را بر عهده دارد. تبصره یک همین ماده برای کودکی که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد مسئولیت کیفری قائل نشده است و این در حالی است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای کودکان بالاتر از سن بلوغ را به‌طور کامل مشمول مسئولیت کیفری دانسته است.

همچنین برای سیاست تعدیلی نسبت به پاسخ‌های قانونی در سیاست جنایی ایران، مجازات‌های اعدام، شلاق و حبس برای کودکان بزهکار پیش بینی نشده است و از طرف دیگر مجازات‌های جایگزین حبس به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی در پاسخ‌های قانونی نسبت به کودکان در نظر گرفته شده است.

پاسخ‌های قضایی سیاست جنایی: با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار برای تعیین مسئولیت کیفری میان جرائم تعزیری و جرائم حدی و مستوجب قصاص، تفکیک قائل شده است. چنانچه در جرائم تعزیری قانونگذار با پیروی از مسئولیت کیفری تدریجی تلاش داشته تا قوه تمیز و رشد را به‌عنوان ملاک‌های مسئولیت کیفری لحاظ کند، این در حالی است که این رویکرد در جرائم حدی و مستوجب قصاص وجود ندارد. بنابراین براساس معیارهای مطرح‌شده در جرائم تعزیری که شامل قوه تمیز و رشد می‌شود، می‌توان پاسخ‌های قضایی در نظر گرفته‌شده سیاست جنایی نسبت به کودکان کار و خیابانی را به دو دسته سالب آزادی و مبتنی بر آزادی تقسیم‌بندی نمود که در ادامه به هریک از این تدابیر اشاره می‌شود:

الف. پاسخ‌های مبتنی بر آزادی کودک کار و نوجوان

۱. تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان (بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

۲. سپردن کودکان به اشخاص حقیقی و حقوقی

۳. نصیحت قضایی

۴. اخطار و تذکر

۵. اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

۶. حکم معافیت از کیفر

۷. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات

۸. صدور قرار تعویق صدور حکم

۹. انجام خدمات عمومی رایگان (ماده ۸۱ ق.م.ا و ماده ۸۴ ق.م.ا)

۱۰. جزای نقدی (جزای نقدی ثابت، جزای نقدی نسبی، جزای نقدی روزانه).

ب. واکنش‌های قضایی مبتنی بر سلب آزادی کودک کار

۱. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت (مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا)

۲. نگهداری پاره‌وقت در کانون اصلاح و تربیت (دو روز آخر هفته)

۳. اقامت در منزل (حبس خانگی، حبس در منزل، سلب آزادی نوجوانان بزهکار در

منزل)

۴. سلب نیمه وقت آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار (ماده ۵۷ ق.م.ا).

پاسخ‌های غیردولتی سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری کودکان کار و خیابانی

اقدامات مثبت ارگان‌هایی همچون نیرو انتظامی، ایجاد امنیت بین مردم و تلاش آن‌ها برای برقراری ارتباط و همکاری با مردم، نوعی هم‌بستگی و احساس امنیت را در کسب بهترین نتیجه در مقابله با بزهکاری و وقوع جرم ایجاد می‌کند (حق‌نظری و شایگان، ۱۳۹۵، ص ۳۷). مشارکت مردمی طبق کنگره ششم، هفتم و نهم سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم، اقدامات اصلاحی و تأدیبی مجرمان و آگاهی‌سازی مورد توجه قرار گرفته و در ایران نیز فعالیت سازمان‌های غیردولتی در سال ۱۳۸۴ و اصل ۱۳۸ قانون اساسی به این مسئله توجه شده است.

فعالیت انجمن‌های مردمی که از طریق بودجه‌های مردمی تأمین می‌شود در دو مرحله پیشگیری و پس از وقوع جرم است؛ در واقع، یکسری از فعالیت‌های مردمی بعد از ترک فعل یا نقض یک تعهد اجتماعی صورت می‌گیرد که به آن فعالیت‌های واکنشی گفته می‌شود، باقی فعالیت‌ها به صورت پیشگیرانه و برای حفظ حقوق شهروندان و نظارت بر تکالیف ارگان‌های دولتی و غیردولتی است (نوری نشاط، ۱۳۸۵، ص ۶۸).

امروزه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه اعلام جرم، آغاز تحقیقات و تعقیب متهم،

از آن رو که مدارک و اسناد قابل اطمینانی را در این خصوص عرضه می‌دارند، در فرآیند رسیدگی کیفری اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (وروایی؛ محمدی و نوریان، ۱۳۹۵، ص ۳۲). یکی از سازمان‌های مردم‌نهادی که در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری از حق اعلام جرم برخوردار گشته، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق کودکان می‌باشند. بدین ترتیب می‌توان ورود سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه را به موضوع بزهکاری کودکان از این منظر توجیه نمود. طبق این قاعده‌ی کلی، اراده‌ی سازمان‌های مردم‌نهادی که فعال حوزه‌ی حقوق کودکان می‌باشند، از آن جهت که زمینه‌ی فعالیت آن‌ها در اساسنامه-شان ذکر شده، در تصمیم‌گیری کیفری دخیل است (کوشکی، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

پیشگیری کنشی: در کنار پیشگیری واکنشی از طریق پاسخ‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، نوع دیگری از اقدامات پیشگیرانه وجود دارد که در راستای از بین بردن عوامل جرم‌زا، اصلاح مجرمان و اقدامات آموزشی - تربیتی است، بنابراین هدف اقدامات کنشی به هیچ‌وجه در راستای ارباب و قهرآمیز بودن فعالیت‌های مربوطه نیست.

همکاری سازمان‌های غیردولتی در حوزه کیفری چه در حالت واکنشی و چه در زمان پیشگیری، نیازمند دریافت مجوزهای خاص قانونی و تشریفات قاعده‌مند است و بسیاری از صلاحیت‌های آنان از جمله صلاحیت در دادرسی باید به‌صراحت به آن‌ها ارجاع داده شود؛ بنابراین هر انجمنی صلاحیت رسیدگی و دخالت کیفری را ندارد. قبل از دادرسی کیفری نیز نقش نهادهای مردمی را نمی‌توان نادیده گرفت، اگر اقدامات آموزشی، حمایت‌های مالی و عاطفی و سایر فعالیت‌های اجتماعی مردمی منجر به ریشه‌کن شدن کار کودکان نشود، حداقل در زمینه بزهکاری ایشان مؤثر خواهد بود. ارتباط سازمان‌های غیردولتی با نهاد آموزش و پرورش یا ایجاد شرایط آموزشی در سازمان‌های یادشده از مهمترین ابعاد اجتماعی پیشگیری از جرم به حساب می‌آید.

صلاحیت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه اقدامات پس از وقوع جرم: در بررسی اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد پس از وقوع جرم و صلاحیت آن‌ها در زمینه سیاست جنایی، می‌توان

مراحل گوناگونی را از اعلام جرم توسط این نهادها تا حمایت آن‌ها از بزه‌کاران و بزه‌دیدگان و نظارت بر رفتار دولت‌ها در زمینه رسیدگی به بزه ارتكابی مورد واکاوی قرار داد. چنین نقش حمایتی و صلاحیتی وفق ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب قانون آئین دادرسی کیفری در این ماده دست به نوآوری زده و جایگاه ویژه‌ای را در سیاست جنایی برای این سازمان‌ها مدنظر قرار داده است.

شرایط لازم برای حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری

شرایط لازم برای یک سازمان برای ورود به فرآیند دادرسی کیفری در خصوص بزه‌کاری کودکان، براساس ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری به شرح زیر است:

۱. فعالیت به‌عنوان سازمان مردم‌نهاد و در حیطه مندرج در اساسنامه (وفق ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۶ «آئین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد»)

۲. رضایت بزه‌دیده یا بزه‌کار (تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی)

۳- پرهیز از ورود به جرائم منافی عفت

اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در هر یک از مراحل دادرسی کیفری

مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد با حوزه‌ی فعالیت در رابطه با کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی، در مراحل گوناگون از اعلام جرم تا صدور حکم و تنبیه و تأدیب متهم به انحاء مختلف است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اعلام جرم

۲. شرکت در فرآیند دادرسی

۳. صلاحیت سازمان‌های مردم‌نهاد در مراحل پس از اثبات جرم

۴. حضور سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان میانجی‌گر

۵. اجرای توافقات کیفری و مجازات‌ها

پیوند سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات دولتی

به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به هیأت وزیران، مورخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۴، مستند به ماده ۱ و بند «الف» ماده ۱۵ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۸۳، و ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳، آئین‌نامه‌ای با عنوان «آئین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی» در پنج فصل مشتمل بر ۱۲ ماده در تاریخ ۴ مرداد ماه ۱۳۸۴ به تصویب رسید.

بر طبق ماده ۲ این آئین‌نامه، سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکل‌های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی (در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری‌ها سازماندهی خواهد شد)، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها و در صورت صلاح‌دید کارگروه اجتماعی استان در شهرهای بالای دویست هزار نفر اقدام نماید.

تبصره این ماده نیروی انتظامی را نیز در مواردی که سلامت جسمانی و روانی کودک در معرض خطر جدی قرار دارد، در امر جذب، مکلف به همکاری به سازمان بهزیستی کشور نموده است.

چنانچه در این ماده بیان شده، آئین‌نامه به‌دنبال جلب همکاری سازمان‌های غیردولتی همچون انجمن‌های خیریه به مثابه مؤسساتی مردم‌نهاد از سویی، و شهرداری‌ها به‌عنوان مؤسسات عمومی غیردولتی از سوی دیگر، با سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان یک نهاد دولتی است. علاوه بر آن، جلب همکاری و در مواردی الزام به همکاری بدنه انتظامی کشور نیز جهت تقویت هرچه بیشتر این ارتباط و افزایش اثرگذاری و بالا بردن کارکردهای نهایی این فعالیت جمعی و چندجانبه، مورد تأکید قرار گرفته است.

به عبارت بهتر، این آئین‌نامه می‌تواند گامی در راستای پیوند سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی و پر نمودن گسست میان فعالیت‌های سازمان دولتی و غیردولتی در زمینه از بین

بردن و کاهش زمینه‌های جرم‌زایی در میان کودکان خیابانی و نحوی پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی، محسوب شود.

نکته برجسته این آئین‌نامه، شرح دقیق وظایف سازمان بهزیستی به مثابه سازمان متولی اجرای این آئین‌نامه از سویی، و طرح زمینه‌های تعیین‌شده همکاری سازمان‌ها و نهادهای همکاری در فرآیند ساماندهی کودکان خیابانی است. این اقدام، ابهامات و کلی‌گویی‌ها در زمینه فعالیت‌های جدی در حوزه کودکان خیابانی را رفع، و با تعیین دقیق مسئولیت هر یک از سازمان‌ها، از اقدامات خودسرانه و فراتر از قانون این مؤسسات نیز جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، از سویی ریل‌گذاری دقیق و به عبارت بهتر دستور کار روشنی برای جامعه عمل پوشاندن به سیاست جنایی مشارکتی در پیوند با سیاست جنایی اجرایی، تدوین و از سوی دیگر تضمینی کلی جهت حفظ و رعایت اصول اساسی حقوق کیفری در زمینه‌ی حفظ آزادی‌های فردی و مصونیت‌های شخصی افراد در برابر قانون نیز با تعیین دقیق حدود وظایف این سازمان‌ها فراهم شده است.

فصل سوم آئین‌نامه با اشاره به وظایف نهادهای همکار، به نحوی همه‌جانبه، بیشتر وزارت‌خانه‌های مرتبط و سازمان‌های مربوطه را به‌نحو جدی درگیر کرده است. به‌گونه‌ای که گسترده‌ی فعالیت در زمینه ساماندهی کودکان خیابانی، از سطوح امنیتی توسط نیروهای انتظامی، وجه حقوقی توسط دادگستری، جنبه تربیتی توسط وزارت آموزش و پرورش، رکن رفاهی و اجتماعی توسط وزارت کار تا سطوح بهداشتی و درمانی توسط وزارت بهداشت و سازمان‌های بیمه خدمات درمانی و تأمین اجتماعی و سطوح رسانه‌ای، تبلیغاتی و فرهنگ‌سازی به محوریت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌گردد. این فراگیری و پوشش جنبه‌های متعدد و مختلف ساماندهی کودکان خیابانی که از عوامل بسیار مؤثر در کاهش یا افزایش پدیده بزهکاری کودکان خیابانی است، چنانچه به نحو مطلوبی اجرایی گردد، می‌تواند زمینه‌های تحقق عملی این پدیده را به حداقل ممکن کاهش داده و نمود بارزی از موقعیت سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی در این زمینه تلقی شود.

آنچه می‌تواند خلاء اساسی و نقطه ضعف این آئین‌نامه محسوب شده و اجرای موفق آن را با موانع جدی مواجه کند، فقدان ضمانت اجرای مشخص درخصوص مجموعه وظایفی است که در این آئین‌نامه برعهده سازمان‌ها و نهادهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی قرار گرفته است.

پر واضح است که هیچ سیاستی بی‌ضمانت اجرای مشخص، نخواهد توانست کارکردها و نتایج مطلوبی را به ارمغان آورد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که چگونه باتوجه به عدم اختیار قوه مجریه در تعیین ضمانت اجرای کیفری، انتظار چنین امری از آئین‌نامه یادشده می‌رود؟ پاسخ این است که بایستی به این مسئله واقف بود که ضمانت اجراها اساساً از انواع مختلفی برخوردارند که لزوماً تمامی آن‌ها دارای صبغه کیفری نیستند. بنابراین منعی در تعیین حداقل برخی از ضمانت اجراهای اداری در این آئین‌نامه وجود ندارد. اما با این حال، چنین اقدامی صورت نگرفته و این خلاء بزرگ، تضمین اجرای کامل و مطلوب این آئین‌نامه را غیرممکن می‌سازد. علاوه بر این آئین‌نامه، در سایر آئین‌نامه‌های مربوط به سازمان‌های ذی‌ربط نیز به اقدام در زمینه‌ی ساماندهی کودکان خیابانی اشاراتی شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها برای تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی اشاره نمود.

افزایش فعالیت فرهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد: یکی از وجوه مهمی که سازمان‌های مردم‌نهاد در تعامل با نهادهای دولتی می‌توانند نقش خود در حمایت از کودکان کار و خیابانی را از طریق آن نشان دهند، فعالیت‌هایی است که این نهادها در زمینه فرهنگ‌سازی انجام می‌دهند. هرچند به این موضوع در مقررات مختلف و در اساسنامه این سازمان‌ها تأکید شده است، اما آنچه اهمیت می‌یابد میزان توجه به این مسئله در بعد اجرایی است.

طرح‌های مختلفی که از سوی سازمان امور اجتماعی، بهزیستی یا شهرداری‌ها صورت می‌گیرد، از آن جهت که پدیده کودک کار ابعاد مختلفی را در بر گرفته و تمام شهروندان را با این پدیده مواجه می‌کند، کافی برای مقابله نیست؛ و ازاین‌رو به کمک سازمان‌های

مردم‌نهاد فعال در این حوزه احتیاج است. از جمله طرح‌هایی که از سوی شورای اجتماعی کار و با محوریت شهرداری پیگیری شد، طرح راه‌اندازی قرارگاه آسیب‌های اجتماعی تهران بود که به دلیل ضعف در بنیادهای فرهنگی، اجرایی نشد.

«گروه تلاشگران (شبکه یاری کودکان کار و خیابان)» به‌عنوان نهادی غیردولتی و مردم‌نهاد یکی از سازمان‌هایی است که در زمینه حمایت از کودکان کار، فعالیت‌های فرهنگی زیادی را از طریق برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها به عمل رسانده است. در نشست‌های یادشده از این سازمان خواسته‌شده تا به‌طور گسترده‌تر و توسط زیرشاخه‌های خود اقدامات لازم در این خصوص را به عمل آورد.^۱

اقدامات عملی و اجرایی سازمان‌های مردم‌نهاد: پس از بسترسازی فرهنگی و کمک به تغییر افکار عمومی پیرامون پدیده کودک کار و خیابانی، یکی از مسئولیت‌هایی که برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته‌شده است، ساماندهی میدانی است. یکی از فعالیت‌های گسترده که طرح آن از طریق نهادهای دولتی چون سازمان امور اجتماعی نیز پیگیری می‌شود، طرح جمع‌آوری کودکان کار است. جمع‌آوری کودکان، خاصه با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد، از آن جهت اهمیت دارد که نقش و جایگاه اجتماعی این نهادها را در سیاست‌های مشارکتی برجسته می‌سازد، و با اقدام آن‌ها به عمل در این زمینه، روند کار تسریع می‌یابد. هیچ‌یک از نهادهای دولتی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد نمی‌بایست به‌صورت جزیره‌ای عمل کنند؛ بلکه مقابله با پدیده کودک کار و خیابانی، و در پی آن جلوگیری از ارتکاب بزه توسط این قشر آسیب‌پذیر، حمایت تمامی نهادها و در تمامی عرصه‌ها از فرهنگ‌سازی تا پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی در این رابطه را می‌طلبد، بنابراین لازم است پس از تعیین حدود مسئولیت این سازمان‌ها و اقداماتی نظیر تقسیم‌بندی مناطق شهری برای برنامه‌ریزی در رابطه با جمع‌آوری این کودکان، فعالیت‌های مشارکتی میان نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای مقابله با شرایط بزهکاری کودکان کار و خیابانی انجام پذیرد.

۱. گروه تلاشگران، فعالیت‌های صورت گرفته، قابل دسترسی در: <http://koodakekar.ir/>

بحث و نتیجه‌گیری

برای ریشه‌کن کردن بزه مربوط به کودکان و کودکان کار در کنار پاسخ‌های تقنینی و قضایی به مسئله باید به‌دنبال ریشه‌یابی و حذف عوامل بزه در میان کودکان بود. بزرگترین مشکل در مسیر کودکان، مشکلات اقتصادی و به‌دنبال آن محرومیت از تحصیل و روی آوردن به کار خیابانی است. مهمترین پاسخ‌های سیاست جنایی در عرصه غیرکیفری، ایجاد شرایطی برای تربیت و جامعه‌پذیری کودکان کار و کودکان کار بزهکار است که در صورت روی آوردن به بزه و اعمال مجرمانه، از ارتکاب مجدد به جرم خودداری کنند و به بیان بهتر، منفعتی در ارتکاب به جرم کسب نکنند. این نوع نگرش به بزهکاری کودکان، همکاری میان تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی را طلب می‌کند، توجه سازمان‌هایی چون بهزیستی و شهرداری در شناسایی و حمایت از کودکان کار تا حضور نهادهای دیگری چون آموزش و پرورش برای فراهم کردن آموزش اجباری از جمله اقدامات پیشینی در این مسیر است.

هم‌بستگی میان نهادهای دولتی و غیر دولتی در تربیت و تغییر کودکان کار و بزهکاری کودکان کار از مؤثرترین راهکارهای موجود به شمار می‌آید، درواقع به این علت که مهمترین نقطه ضعف کودکان کار محرومیت از تحصیل است، ارائه محیطی که کودکان بدون هیچ دغدغه مالی در آن به آموزش و کسب علم بپردازند بزرگترین نقطه قوت کودکان در دوری از جرم خواهد بود؛ ارتکاب جرم توسط کودکان اغلب موارد به علت غافل بودن از نتایج جرم و تمیز خوبی یا بدی عمل است، بنابراین اقدامات اجتماعی به دست سازمان‌های غیردولتی بسیار کارسازتر از صلاحیت آن‌ها برای ورود به دادرسی کیفری است. چنین نهادهایی با کسب آگاهی از محله‌های در معرض خطر و شناسایی کودکان کار و خانواده آن‌ها می‌توانند علاوه بر حمایت‌های مالی یا عاطفی از آنها شرایطی را هرچند در سطحی غیروسیع ایجاد کنند که صالح به شناسایی و آموزش‌های تحصیلی و اجتماعی باشد.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با مسائل کودکان، در کنار مشاوره و استفاده از امکانات نهادهای دولتی، خود برخی از صلاحیت‌های انتظامی و آموزشی را در این حوزه احراز کنند.

از طرفی پیشگیری‌های پسینی یا واکنشی در سیاست جنایی به دلیل از میان بردن موقعیت‌های مجرمانه و نشان دادن عواقب اعمال مجرمانه بسیار موثر است اما در صورتی که بدون مدیریت صحیح تمرکز خود را صرف هزینه‌های گزاف در راستای اجرا محکومیت‌ها، زندان‌ها و سایر اقدامات تنبیهی کنند نه تنها در جنبه‌های مالی متضرر می‌شود، بلکه منجر به گرایش دوچندان کودکان به جرم و ضداجتماعی شدن آن‌ها می‌شود.

در آخر آنکه سیاست جنایی در بسیاری از کشورها به دلیل ملاحظات بین‌المللی از یک سو و تفاوت در گرایش‌های اجتماعی شدن از سویی دیگر، چالش‌های فراوانی را در خصوص حل مشکلات مربوط به کودکان بزهکار پدید آورده است؛ به خصوص در ایران که ملاحظات اجتماعی همراه با اصول قانونی و فقه است و در برخی از موارد به دلیل چشم‌پوشی از شرایط ویژه بزهکار، به دلیل تعریف قانونی فعل مجرمانه، فرد خاطی را مجازات می‌کنند؛ بنابراین توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی در کشورها، شهرها و محله‌های متفاوت و توجه به زمان و شرایط حاکم، از اهم امور در خصوص بزهکاران و کودکان بزهکار خیابانی خواهد بود.

سپاسگزاری

پژوهشگران از کلیه اساتیدی که با راهنمایی‌های خود در انجام پژوهش حاضر نقش آفرینی کردند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

منابع

- برنارد، تامس. اسنیپس و جفری. جرج ولد، الکساندر. (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی نظری*. علی شجاعی، مترجم. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، حسن. (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۹)، صص ۱۵۵-۱۷۴. قابل بازیابی از: https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1953&sid=1&slc_lang=fa
- حق نظری، محمدرضا؛ شایگان، فریبا. (۱۳۹۵). نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۱(۴۴)، صص ۳۳-۵۲. قابل بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18191.html
- رجبی، فرناز و مهرا، نسرين. (۱۳۹۶). پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان: تخمینی یا ترمیمی. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۳(۲)، صص ۸۵-۱۲۱. قابل بازیابی از: https://jlap.srbiau.ac.ir/article_12283.html
- غلامی، حسین. (۱۳۸۲). *تکرار جرم*. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۳). *بررسی عملکرد خدماتی سازمان‌های مردم‌نهاد و رابطه آن با بهزیستی کودکان کار و خیابانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهراء. تهران.
- کراس، رابرت و مورتون، دوچ. (۱۳۸۶). *نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی*. مرتضی کتبی، مترجم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۳). سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری). *پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۴)، صص ۶۵-۸۶. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/345050>
- گودرزی، رضوان. (۱۳۹۹). امکان‌سنجی مطالعه و طراحی مراکز آموزش و نگهداری کودکان کار در بافت آسیب‌پذیر شیراز، *مجله معماری‌شناسی*، ۱۴(۱)، صص ۳۳. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/427575>
- مقدس جعفری، محمدحسین؛ ویسی‌نژاد، نورمحمد و درستی، امیرعلی. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار، مطالعه موردی شهر اهواز. *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۷(۲)، صص ۷۲-۵۵. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/318408>
- موسوی، عافیه السادات. (۱۳۹۰). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*. چاپ اول. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- نوری نشاط، سعید. (۱۳۸۵). *حقوق محوری در توسعه*. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- وروایی، اکبر؛ محمدی، همت و نوریان، ایوب. (۱۳۹۵). مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۲(۲)، صص ۲۷-۴۳. قابل بازیابی از: https://jlap.srbiau.ac.ir/article_9884.html

